Anahita
A Research Journal of Persian
Language, Literature Art & Culture
No. 13, Annual 2026, pp 174-182

آناهیتا
مجلہ علمی۔ پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی
شماره 13، سالنامہ2026 ، میلادی، ص182-174

PERSIAN LAMP FACED TO THE BLOW OF WIND

***Yousaf Hussain**

Abstract:

The Persian language, with all its literary richness and its historical and cultural importance, is currently experiencing weakness and stagnation in Pakistan- This language has disappeared to some extent in state educational institutions, and it is possible that in the near future Persian language and literature will be faded due to disruption and lack of inclination of the authorities in educational institutions of KP Province. This article discusses the current state of the language and ways to get out of it, and offers suggestions for reviving and keeping the language alive. What you are reading in this article is a kind of complaint-

Key Words: Decline of Persian language; Persian language in modern era; Persian in Pakistan; Importance of Persian Language

چراغِ فارسی بر دریچۂ باد

*** یوسف حسین**

چکیده:

زبان فارسی با ہمہ غنای ادبی و اہمیت تاریخی و فرہنگی اش، درین روز ہا در پاکستان با ضعف و رکود رو برو است. این زبان در موسسات آموزشی ایالتی تا حدی محو گردیده و امکان دارد در آینده نام و نشانی از این زبان در موسسات آموزشی نماند. درین مقالہ راجع بہ وضعیت کنونی این زبان و راہ کار ہای برای بیرون رفت ازین وضعیت اسفبار در نظر گرفتہ شدہ است و برای احیا و زندہ نگہداشتن این زبان پیشنہادات ارائہ شدہ است. آنچہ درین مقالہ می خوانید یک نوع بث الشکویٰ ہست .

کلید واژہ ہا : وضعیت فارسی در پاکستان؛ اہمیت زبان فارسی؛ فارسی ستیزی؛ آسیب شناسی زبان فارسی؛ گسترش زبان فارسی؛ فارسی و پاکستان

*استادیار گروہ زبان فارسی، دانشگاہِ پشاور – پاکستان yousaf_hussain@uop.edu.pk

شالُده بحث :

در دنیای امروز تقریباً ہفت ہزار زبان وجود دارد۔ در بین این ہفت ہزار زبان زبانی ہم ہست کہ ہیچ ملیت و جغرافیہ ندارد و آن زبان خود ساختہ، اسپرانتو است۔ آمار نشان می دہد کہ در بین این ہفت ہزار زبان رائج جہان تا پایان قرن بیست و یک تنہا سہ ہزار زبان زندہ خواہند ماند۔ طبقِ آمار رسمی در ہر چہارده روز، یکی از زبان ہای جہان چشم از جہان می بندد۔ چرا با این سرعت زبان ہا و گویش ہا دارند از بین می روند؟ شاید دلیل این باشد کہ از یک سو مہاجرت زبان ہا را آمیختہ و از بین می برد و دیگر این کہ علم و تکنولوژی نوین باعث می شود تا در صورت عدم معادل یابی واژه ہا زبان علم و تکنولوژی غلبہ می یابد و واژه ہای زبان ہای بومی را بہ تدریج از بین می برد و ہمزمان زبان چت گونہ نیز باعث از بین بردن سلاست و زیبایی زبان می شود۔

در بین این ہفت ہزار زبانی کہ در فوق ذکر کردیم، زبان فارسی در کدام ردیف و وضعیت قرار دارد؟ درین بحث می پردازیم بہ وضعیت زبان فارسی در جہان و مخصوصا وضعیت کرسی ہا و گروہ ہای زبان فارسی در دانشگاه ہا و مراکز علمی جہان۔ خیلی دور نمی رویم و سخن را از وضعیت زبان فارسی در پاکستان شروع می کنیم۔ در پاکستان بالعموم زبان فارسی با انقراض مواجہ است۔ این حرفِ من نیست، جہان می گوید، درب ہای در حال بستہ شدن بخش ہا در دانشکده ہا و دانشگاه ہا می گویند۔

این واقعیت را ہمہ مردم پاکستان می دانند کہ عظمت و غنای این زبان شیرین کمابیش یاد آور علم و فرہنگ در دوره ہای زرین اسلامی بود ہ و هست۔ در جہان، فارسی محض یک زبان حرف زدن و تکلم نیست بلکہ نماد و سمبل یک تمدن و فرہنگ غنی و ماندگاری است۔ شاید جالب باشد کہ بدانید ہنوز ہم در جامعہ پشتون ہا ضرب المثل معروفی هست۔ می گویند ہرکہ شکم اش سیر باشد فارسی حرف می زند۔ یعنی این زبان مردم ثروت مند بوده است۔ این ضرب المثل بار معنای مثبتی دارد۔ بہ نظر می رسد یکی از دلایل اصلی این مثل رائج بودن این زبان در بین مردم متدین و حاکمان زمان بوده است۔ نباید فراموش کرد کہ زبان فارسی، زبان علم است۔ توسط ہمین زبان اقوام مشرق زمین از تاریکی ہا گذر کرده اند۔ این زبان در اشکال گسترده ای در جوامع مختلف جلوه نموده است؛ برای مثال فارسی تیموریان لہجہ متفاوتی داشت با لہجہ فارسی ایران و آسیای مرکزی۔ این زبان در دوره ہای مختلف با نام ہای مختلف یاد شده، مانند دری، پارسی، فارسی، قند پارسی، تاجیکی، خراسانی پارسی بان وغیرہ۔

این را باید یادآور شد کہ زبان فارسی مرز و بوم ندارد و متعلق بہ کشور، ملت و نژاد خاصی نمی شود۔ فارسی زبان دل است،درین مقالہ ہنگامیکہ این زبان را بجای خواندن قند و شکر چراغ خوانده شده دلیل آن ہمین است کہ این چراغ مرز و بوم را نمی شناسد ۔ در طول تاریخ اش ہر جا رسید، روشنی افکند۔ شعر اردو:

جہاں رہے گا وہیں روشنی لٹائے گا کسی چراغ کا اپنا مکاں نہیں ہوتا [1]

باید این را بہ اثبات رساند کہ نقطہ قوت زبان فارسی، رونق آن در زمان ہای گذشتہ نیست. ہرگاہ کہ سخن از زبان و ادب فارسی درمیان می آید، ما بہ آثار مشاہیر و پیشتازانِ ادب پارسی می بالیم. اکنون ہم زبان فارسی در ردیف شیرین ترین زبان ہای جہان قرار دارد و گویندگان این زبان دارای یک فرہنگ و تمدن غنی و زیبا بر روی کرہ زمین وجود دارد. با کمبود چند تا کرسی و بخش ہای فارسی در مراکز آموزشی این زبان رونق اش را از دست نخواہد داد ولی کم رنگ شدن این زبان در دانشگاہ ہا، ملت ہا و جامعہ ہا را از تمدن و فرہنگ دور و بیگانہ خواہد ساخت.

چراغ زبا ن و ادب پارسی مدام تابان خواہد ماند. تا قوم، فرہنگ و ادب زندہ است، این زبان نیز تا مدام پابرجا خواہد ماند. این چراغ، با آنہمہ سدِ راہ ہای کہ در پیش رو دارد، گویندگانی دارد کہ در گسترش علم و فرہنگ سہم دارند. کم رنگ شدن این زبان در آموزش گاہ ہای کشور دلیل ہای گوناگونی دارد. با گذر زمان اہدافِ آموزش در جوامع تغیر می کند. بازار یابی آموزش در دنیای امروز حرفِ اول را می زند. در گذر زمان آموزش زبان فارسی بعنوان زبان دوم رونق اش را از دست داده است.

وضعیت زبان فارسی در جہان بالعموم و در پاکستان بویژہ با چالش ہای روبروست کہ نیاز بہ توجہ داردچندین زبان ہای قدیم جہان کہ دارای ادبیات غنی و پُر افتخار بود در رده زبان کلاسیک یونسکو قرار گرفت، مانند سنسکرت و لاتینی و یونانی کہ در اندک زمانی محو گردید. زبان فارسی را نیز بسوی زبان کلاسیک سوق می دہند. از برکت آثار گرانسنگ و بی بدیل میراث ادبیات فارسی تا کنون این زبان نہ تنہا در کشور ہای زندہ است کہ درآنجا بعنوان زبان مادری وجود دارد بلکہ در کشور ہای ہمجوار نیز با گویش ہای متفاوت این زبان تا کنون زندہ است. گرچہ واژگان فارسی در زبان ہای ہمسایہ کاربرد گسترده ای دارند ولی درین روز ہا با ورود تکنولوژی جدید واژہ ہای کاملاً بیگانہ و غریب جاگزین واژگان فارسی می شود. چون بیشتر رسانہ ہای اجتماعی بہ زبان انگلیسی اند، کاربر ہا نیز از واژگان انگلیسی استفاده می کنند و مردم محتاج آموختن و دانستن واژگان انگلیسی اند.

ما شاہد وضعیت زبان فارسی در آسیای مرکزی ہستیم. سمرقند و بخارا کہ مرکز تمدن فارسی بوده درین روز ہا با مقابلہ با پلان ہای پان ترکیسم دست و پنجہ نرم می کند. از مدارس کشور ازبکستان کتاب ہای درسی فارسی برچیده شده است. باشندگان این دیار فقط در خانہ باشان بہ زبان مادری حرف می زنند و نمی توانند در آموزشگاہ ہا علم را بہ زبان مادری شان بیاموزند.

[1] وسیم بریلوی، شاعر اُردو زبان

وضعیت زبان فارسی در کشور ہمسایہ مان تاجیکستان در حال رشد است۔سعی و تلاش دولتِ تاجکستان بسوی " خط نیاکان" اقدام خوبی است۔ دولت تاجیکستان مصمم بازگشت بہ ہویت گذشتہ اش است و تصمیم کنونی دولت برای کار برد اسم ہای خانوادہ بہ فارسی یک اقدام احسن شمردہ میشود۔ اما در کشور ہمسایہ مان افغانستان زبان فارسی(دری) با تعصبات قبیلہ ای و دولتی مواجہ است۔وضعیت اسفبار کنونی در افغانستان از ژرفای روند فارسی ستیزی سخن می گوید۔ برچیدن لوحہ ہای فارسی و ارجحیت بخشیدن امور اداری بہ زبان پشتو، برتر جلوہ دادن زبان پشتو بر دری و خارجی خواندن زبان فارسی از سوی مقامات دولت افغانستان بحث نوینی را برانگیختہ است۔ بہ نظر می رسد ہدف چنین اقدامات ہویت زدایی اقوام مختلف و تحمیل تاریخ، زبان، جغرافیہ و فرہنگ تقلبی است کہ افغانستان را از گذشتہ خراسان و باختر وآریانا سوق و پیوند می دہد بہ قبیلہ اقلیتی۔ چندی است کہ زبان فارسی از سوی قبیلہ سالاران مورد ایراد قرار می گیرد، و یک جریان خاص متلاشی است تا بہ دلائل سیاسی، فارسی ستیزی را انجام دہند۔

در افغانستان کار برد واژگان فارسی مانند دانشگاہ، ستاد، فرماندہ و غیرہ خیانت ملی پنداشتہ می شود و کارمندی کہ در رسانہ ہای دولتی از آن استفادہ کند از وظیفہ اش بصورت اجباری کنار می رود۔درین روز ہای اخیر گروہ جنگجو و حاکم کنونی کہ شامل یک قبیلہ مخصوص می باشد، زبان فارسی را بکلی از مکاتبات دولتی حذف نمودہ و زبان پشتو را جاگزین آن نمودہ است۔ درین ضمن شاعر و ادیب و سیاست مدار خراسان شرقی دکتر لطیف پدرام برای احیای زبان فارسی در ادارات دولتی و بہ رسمیت شناختن ہویت زبان فارسی تلاش ہای فراوانی می کند کہ قابل تمجید و تکریم است۔

درین مقالہ می پردازیم بہ وضعیت اسفبار زبان و ادب فارسی در پاکستان کہ درین روزہا بیشتر توجہ رسانہ ہای بین المللی را معطوف نمودہ است۔ انعکاس خبر ہای بستہ شدن کرسی ہای زبان فارسی در دانشکدہ ہای ایالتی خیبر پختونخوا نیز توسط کانال ہای ملی و بین المللی را مشاہدہ می کنیم۔ این زبان در نہایت ہمسان زبان اُردو در دیار خودش بیگانہ ماندہ و توجہ لازم بہ آن از سوی زمام داران دادہ نشدہ است۔

ترفند ہا برای حذف این زبان در دانشگاہ ہا و مراکز آموزشی ایالتی کماکان ادامہ دارد۔حفظ این زبان نیاز بہ اقدامات اساسی و چند جنبہ ای دارد۔در وہلہ اول بقا و حفظ این زبان و پس ازان ترویج و گسترش زبان فارسی نیازمند برنامہ ہای آموزشی کوتاہ مدت و دراز مدت را دارد۔ علاوہ برین مواد آموزشی کہ در دسترس دانش آموزان و دانشجویان نیست باعث محو یک واحد درسی از سر فصل ہای آموزشی می شود۔ دلایل مختلفی است کہ باعث ضعف و رکود زبان در مراکز آموزشی شدہ است۔ درینجا سعی می کنیم تا سرنخ آن را پیدا کنیم۔

بی گمان زبان فارسی ریشہ عمیقی در تشکیل و غنا سازی زبان اردو دارد و روشن است کہ در غیاب فارسی زبان اُردو کماکان رشد نخواہد کرد۔ ہر چند درین روز ہا در زبان اُردو بہ واژہ ہای انگلیسی بسندہ می شود، واژہ ہای انگلیسی را بجای واژہ ہای فارسی بکار می برند ولی اینگونہ اقدام زبان را نہ بسوی غنای واژہ ہا بلکہ بسوی آمیختن غیر طبیعی با زبان دیگر می کشاند۔

در مورد عامل ہای ضعف وضعیت زبان پرسش ہای مکرر ذہن را درگیر می کند کہ برای آن پاسخ ہای قانع کننده باید جویید۔ بہ نظر می آید باید بہ چند پرسش اساسی پاسخ داد:

۔آیا کتاب ہای آموزشی فارسی در پاکستان بہ ہمراہ نظام آموزشی جدید برای بازار یابی ہم آہنگ است؟

۔دانشجویانی کہ در مقطعہ آموزش فارسی ثبت نام می کنند از آنہا در مجموع توقع ما چگونہ خواہد بود؟

۔سہم موسساتی کہ بنام ترویج و گسترش این زبان بنا شده چہ بوده و تا کنون چہ دست آورد ہای داشتہ اند؟

۔ موسساتی کہ بنام ترویج و گسترش این زبان بنا شده تا کنون توانستہ اند کتاب ہای آموزش زبان فارسی را بہ مراکز آموزشی برسانند ویا از دوره ہای کوتاه مدت و دراز مدت آموزش زبان فارسی درست سرپرستی و مدیریت کنند یا خیر؟

برای رسیدن بہ این پرسش ہا درین جا چندین راه کار بہ نظر می آید کہ اگر آن را جدی گرفت، زبان فارسی تاریخ درخشان گذشتہ اش را باز خواہد یافت۔

اگر بخواہیم بہ راستی آبِ رفتہ را بہ جوی باز گردانیم واز کرسی ہا و بخش ہای آموزش زبان فارسی از دست رفتہ و در حال انقراض جلوگیری کنیم، باید بہ چندین راه کار جدی توجہ کنیم۔ درین ضمن می توان از دو مسیر اقدام کرد:

۱۔ مسیر اول اینکہ باید نحو آموزش متداول زبان ہای دیگر را در نظر بگیریم۔ یکی از دلایل گسترش سریع زبان انگلیسی نحو آموزش آن است کہ توسط اساتید دانشگاه بوستن ماساچیوستس کتابی بنام "نیو انترکام " شامل چہار جزوه بچاپ رسید و با روش ساده و شیوا توانست آموزش زبان انگلیسی را سہل تر کند۔ اگر از آنگونہ روش ہا استفاده شود و کتابی چاپ شود کہ دارای بخش ہای شنیدن، خواندن و نوشتن باشد، بیشتر موثر خواہد بود۔

۲۔ مسیر دوم اینکہ بازار یابی را مد نظر بگیریم۔ توسط آموزش ترجمہ و ترجمہ نگاری می توان برای آموزندگان زبان فارسی شغل خوبی پیدا کرد۔ طوریکہ قبلاً تذکر دادیم، بازار یابی آموزش در

دنیای امروز حرفِ اول را می زند۔ آن عده دانشجویانی کہ زبان فارسی را فرامیگیرند در انتظار شغل و کار می باشند کہ متاسفانہ در ادارات دولتی بہ آنان شغل و کار میسر نیست۔ تنہا راہی کہ آن ہا را با شغل و کار در سطح کشور و بالعموم در سطح جہان آشنا خواہد ساخت، ہمین ہنر ترجمہ است۔ متون و کتاب ہای آموزشی فارسی باید طوری تدوین شوند کہ معیار ہای ترجمہ آموزی را در بر گیرد۔

بنیاد سعدی کہ برای ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران وظیفہ دارد۔ برای احیاء و زندہ نگہداشتن کرسی ہای فارسی اقدام جدی را در نظر گیرد۔ زیر چتر وحمایہ بنیاد سعدی دورہ ہای آموزش زبان فارسی بہ نحوی جدید آغاز گردد۔ تنہا حمایت لفظی از یک زبان کار یک نہاد و یاموسسہ نیست بل تدوین و تہیہ کتاب ہای آموزشی نیز می باشد۔ باید بہ چاپ کتاب توجہ شود۔ (دو دہہ قبل زمانی کہ مرکز تحقیقات فارسی در پاکستان فعال بود و از فارسی سرپرستی می کرد۔ کتاب ہای آموزش زبان فارسی بہ دانشگاہ ہا اہدا می شد تا گروہ ہای زبان فارسی دورہ ہای کوتاہ مدت را راہ اندازی کنند۔ آنزمان وضعیت زبان فارسی بہتر بود)۔

اگر در دانشگاہ و آموزشگاہ ہای ایالت خیبر پختونخوا پاکستان کرسی زبان فارسی با انحلال مواجہ است، دلیل آن ضعف زبان نیست بل اولویت و ترجیحات دولت است۔ اگر دولت در مدارس و دانشگاہ ہا بروقت استاد فارسی تہیہ می کرد نوبت بہ این وضعیت نمی رسید۔ در چراغِ فارسی نفت کم بود، ما را از وزشِ باد چہ گلہ؟ اساتید فارسی بازنشستہ شدند و جاگزین آنہا اساتید دیگر بہ موقع استخدام نشد۔ در اثر نبود استاد فارسی در دانشکدہ ہا، دانش آموزان بہ آموختن زبان ہای دیگر مراجعہ کردند۔ در دانشگاہ بانوان بے نظیر بوتو در پشاور در مقطعہ لسانس و فوق لسانس دو واحد درسی شامل سرفصل ہای آموزشی دانشگاہ مزبور است ولی بعلت عدم استخدام استاد این دو واحد درسی در دانشگاہ تدریس نمی شود۔ در دانشکدہ ہای دولتی یک واحد درسی در ترم سوم مقطعہ لسانس آموزش زبان فارسی است کہ بعلت عدم استاد فارسی، استادان زبانِ اردو یک واحد درسی فارسی را تدریس می کنند۔

این را باید پزیرفت،خطر انقراض زبان فارسی در آموزشگاہ ہاست نہ در متن جامعہ۔ زبان پژوہ ہای اُردو نیز بہ این باور اند کہ ترویج زبان اردو منوط با فارسی است۔احیاء و ترویج زبان فارسی باعث تقویت و غنا سازی زبان اُردو می شود۔ خیلی از کاربران شبکہ ہای اجتماعی، نویسندگان و کارمندان رسانہ ہا علاقہ مندی شان را بہ آموزش زبان فارسی نشان می دہند تا با آموختن این زبان، آثار گران سنگ و بی بدیل ادب فارسی را کہ از نیاکان شان سخن ہا راجع بہ این زبان شنیدہ اند، بخوانند و بہرہ گیرند۔ با پاسداری این گنجینہ بیش بہای فارسی کہ ہمہ مردم پاکستان معترف اند و آن را پاس می دارند،در مدارس دینی بیشتر توجہ بہ آموختن گلستان و بوستان سعدی می شود۔ آیت اللہ خامنہ ای در یکی از سخنرانی ہایش اذن نمودہ بود، زبان فارسی را در سطح جہان بعنوان زبان علم معرفی کند و برای نیل بہ این ہدف پلان پنجاہ سالہ را اجراء نمودہ بود۔ مشخص نیست موسسات مسئول ایران

درین ضمن تا کنون چه اقداماتی انجام داده اند و خارج از مرز های ایران برای احیاء و گسترش این زبان چه نوع فعالیت ها را از سر گرفته اند. موسسات و متولیان این زبان در سطح ملی و فرا ملی تا چه حد احساس مسئولیت کرده اند و برای تداوم این زبان از چه نوع مسیر ها وارد عمل شده اند تا ضامن بقای آن شود؟ لابد، بنیاد و موسسات مربوط ظرفیت های را بکار انداخته اند ولی با این همه، تاثیر شگرفی بر توسعه زبان فارسی نگذاشته است.

بنا برین، اگر وضعیت اسفبار فارسی را در ایالت خیبر پختونخوا و بلوچستان که دو ایالت همجوار با کشور های فارسی زبان اند و تعداد زیادی از فارسی زبانان درین دو ایالت زندگی می کنند،پی ببریم چه عاملی ضامن بقا و گسترش تدریجی این زبان درین دو ایالت خواهد شد؟ نبود کتاب فارسی در بازار کتاب دلیل عمده ای از بین رفتن این زبان شده است و این امر سبب رکود و ضعف این زبان شده است. برای تداوم این زبان باید از مسیر آموزش در دانشکده ها بهره برد تا ضامن بقای آن شود. البته درین جا باید عنوان کرد، عامل عمده ناپدید شدن فارسی در مدارس و دانشکده های دولتی عدم کتاب درسی در بازار و استخدام نشدن اساتید زبان فارسی در مدارس و دانشکده هاست.

به نظر بنده اگر موسساتی که سنگ فارسی را به سینه می زنند و خود را متولیان این زبان می پندارند،بجای اینکه مدار کار و خدمت به زبان را فقط تهیه گزارش و عکس گذاشتن در صفحات اجتماعی قرار دهند، اندکی به چاپ کتاب درسی توجه کنند تاثیر شگرفی بر توسعه فارسی خواهد گذاشت. در گذشته شورای گسترش زبان فارسی تاثیر شگرفی در سرنوشت زبان فارسی داشت و پس از انحلال این شورئ و مبدل شدن آن به یک بنیاد، دوره های آموزشی فارسی آنقدر توجه و رونق نیافت. گرچه مسئولین نهاد های پشتیبان زبان فارسی، چاره اندیشی های برای رفع مشکلات کرده اند اما پاره ای از کاستی ها همچنان پا برجاست.

هر چند نمی توان یک نهاد، گروه، مسئول، حکومت و یا قشر خاصی را متولیان و پاسداران زبان فارسی پنداشت، این وظیفه وجدانی متعلق به همه گویندگان این زبان است تا برای حفظ و احیای این زبان به نوبه خود همت گمارند.سهم اساتید زبان فارسی، نویسندگان، مربیان و مسئولین برای احیاء و گسترش این زبان از سابق بیشتر لازم پنداشته می شود. اگر اینها به معضلات زبان فارسی توجه شان را معطوف بدارند شاید تا حدی جلوی انحلال و خاموشی این زبان را گرفت.زبان های بیگانه و واژه های تکنولوژی با سرعت وضعیت زبان ها را تغیر می دهد. علاوه برین فارسی ستیزی نیز در اولویت کاری بعضی از زمام داران هست ولی مربیان و دوست داران فارسی نمی گذارند این زبان از جامعه محو بشود و چه خوش سرائیده ناصر خسرو بزرگوار:

من آنم که در پای خوگان نریزم مر این قیمتی دُر لفظ دری را [2]

چراغِ فارسی گرچه بر تاریکی غلبه نخواهد یافت، باز هم حد اقل با غنای ادبی خود خسارتِ شب را تا حدی جبران و تلافی جوئی خواهد کرد. بی گمان، راهکار های که پیشنهاد می گردد،اگر اجرای موارد آن جزو اولویت ها قرار گیرد، در آن صورت به نتیجه مطلوب خواهیم رسید.

اگر این راهکار های سازنده را برای حفظ و گسترش زبان فارسی بکار بریم امیدوارم که وجاهت گذشته این زبان را باز جو خواهیم شد. درین ضمن رسالت نهاد ها و مسئولین گسترش این زبان بیشتر اقتضاء دارد تا بر موقع اقدام کنندو در مسیر ارتقا و حفظ این زبان از هیچ نوع کوششی فروگزاری صورت نگیرد.از مربیان و نویسندگان و دلسوزان این زبان جاویدانه تقاضا دارم بیایید این زبان را بی هیچ گونه مرزی به جلو توسعه دهیم و مراقبِ این چراغ باشیم.

منابع:

##. بریلوی، وسیم، مجموعه شعر اردو، تارنما " ریخته"

##. ناصر خسرو قبادیانی، کلیات ناصر خسرو، نسخه برقی

[2] ناصر خسرو، کلیات ناصر خسرو، نسخه برقی